

اثبات وجود رابط

بر مبنای تحلیل رابطه‌ی علی و معلولی

عبدالعلی شکر*

استادیار دانشگاه شیراز

چکیده

و رابط مینامند. وجود فی نفسه، به لافسه و لغیره، و وجود لافسه، به بنفسه و بغیره تقسیم شده است. تنها مصداق وجود فی نفسه لافسه بنفسه، ذات حق است.^۱ پس از آن به ترتیب جواهر و اعراض از مصداق دو شق دیگر این تقسیم میباشند. وجود رابط بلحاظ اینکه در غیر، تحقق می‌یابد و دارای واقعیت استقلالی نیست، امری پیچیده بنظر میرسد. صدرالمتألهین به پیروی از استاد خود^۲، وجود رابط را از وجود رابطی متمایز میکند؛ زیرا میان این دو اصطلاح تفاوت بسیار است. «وجود رابط» در مقابل «وجود محمولی» و «فی نفسه» قرار دارد؛ بدین معنی که از هیچ نفسیتی برخوردار نیست و حقیقتی جز فی غیره بودن را ندارد. اما «وجود رابطی» دارای وجود فی نفسه است که این نفسیت همانند اعراض، برای غیر، متحقق است.^۳ پس برای غیر بودن غیر از، در غیر بودن است.

وجود رابط دارای دو اطلاق است: یکی در منطق ذیل مبحث قضایای حملیه، و دیگری قسم وجود مستقل یا «فی نفسه» که در فلسفه به آن وجود فی غیره گفته میشود. برخی از حکمای مسلمان بخصوص پیروان حکمت متعالیه برای اثبات تحقق خارجی چنین وجودی دو طریق را پیموده‌اند: یکی از طریق تحلیل قضایای حملیه، و دیگری به واسطه تحلیل رابطه علی و معلولی. شیوه نخست بجهت خلط احکام منطقی با فلسفی مورد اشکال است، اما طریق دیگر که از عرفان، الهام گرفته شده است، وجود ممکنات را نسبت به ذات حق عین تعلق و ربط میداند و از این راه وجود رابط را اثبات میکند.

کلیدواژگان

وجود فی نفسه
قضیه حملیه
صدرالمتألهین

طرح مسئله

در حکمت متعالیه وجود را به «فی نفسه» و «فی غیره» تقسیم نموده‌اند؛ این دو قسم را به ترتیب، وجود مستقل

*. mo_alim2001@yahoo.com

۱. سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه (قسم الحکمة)، بکوشش حسن‌زاده آملی و مسعود طالبی، قم، نشر ناب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲. میرداماد، الافق المبین، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۲۸۹، ص ۱۲۴.

۳. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، باشراف استاد سیدمحمد خامنه‌ای، بتصحیح غلامرضا اعوانی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۹۳.

■ وجود رابط، حقیقتی
جز ربط و تعلق به غیر ندارد
و حتی بدون لحاظ غیر به ادراک
هم نمی‌آید. برخی از حکما بر تحقق
خارجی و عینی چنین وجودی
برهان اقامه کرده و گروهی
نیز از در مخالفت
وارد شده‌اند.

محمول با غیر موضوع خود یافت نمیشود. بنابراین
غیر از موضوع و محمول چیز دیگری در قضیه وجود
دارد که محمول را به موضوع ربط میدهد و نام آن
وجود رابط است.^۵

اگر نسبت میان موضوع و محمول، مغایر طرفین
قضیه نباشد، تعقل هر یک از آندو بدون تعقل آن
نسبت، میسر نیست،^۶ در حالی که موضوع و محمول
بدون لحاظ و تعقل نسبت و رابط میان آنها قابل تعقل
و درک است.

وجود رابط، منفصل از طرفین خود نیست؛ زیرا
اگر امر سومی جدای از طرفین باشد، بدو رابط دیگر
نیاز است که یکی آنرا به موضوع و دیگری آنرا به
محمول مرتبط سازد؛ در نتیجه سه جزء قضیه به پنج
جزء میرسد، و چون آنها نیز بر این اساس جدای از
طرفین خود هستند؛ این سلسله به بینهایت کشانده
شود.^۴

۵. طباطبایی، محمدحسین، نه‌ایة الحکمة، باشراف میرزا
عبدلله نورانی، قم، مؤسسه‌النشر الاسلامی التابعة لجماعه
مدرسین بقم المشرفة، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۸.

۶. رازی، فخرالدین، منطق‌الملخص، بکوشش احد فرامرز
قراملکی و آدینه اصغری‌نژاد، تهران، انتشارات دانشگاه امام
صادق، ج ۱، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۲۹.

بنابراین وجود رابط حقیقتی جز ربط و تعلق به
غیر ندارد و حتی بدون لحاظ غیر به ادراک هم
نمی‌آید. ملاصدرا اشاره میکند که وجود رابط به این
معنا، با نسبت حکمیه تفاوت دارد؛ زیرا نسبت
حکمیه، لحاظ اتحاد یا عدم اتحاد موضوع با محمول
است و از این جهت در تمام حملیات وجود دارد، اما
وجود رابط تنها در حملیات ایجابیه مرکبه حاصل
میشود.^۴

برخی از حکما بر تحقق خارجی و عینی چنین
وجودی برهان اقامه کرده و گروهی نیز از در مخالفت
وارد شده‌اند. در این نوشتار، ابتدا به بیان ادله اثبات
وجود خارجی و تحقق وجود رابط و سپس به ارزیابی
آنها پرداخته میشود.

ادله اثبات وجود رابط

وجود رابط بدو طریق قابل اثبات است: یکی از طریق
تحلیل قضیه‌ی حملیه که مربوط به حوزه منطقی است؛
و دیگر به واسطه مبحث فلسفی تحلیل علیت و
معلولیت. طریق نخست به چند شکل قابل تقریر
است که هرکدام بشکل جداگانه بیان می‌شود.

دلیل اول

این طریقه را علامه طباطبایی در نه‌ایة الحکمة پیموده
است. مطابق بیان ایشان در «قضایای خارجی» که
موضوع و محمول آنها منطبق با خارج است، مانند:
«زید ایستاده است» و یا «انسان خندان است»،
همچنین در «مرکبات تقمیدیه» که از همین قضایا
گرفته شده است، مانند: «قیام زید» و «خندان بودن
انسان»؛ امری می‌یابیم که آن را نسبت و ربط می‌نامیم.
این امر در موضوع و محمول به تنهایی دیده نمیشود؛
و همچنین میان موضوع با غیر محمول خود و میان

■ وجود رابط، نه بطور مجزا بلکه در ضمن طرفین خود موجود است. وقتی که وجود رابط در ضمن موضوع و محمول وجود داشته باشد، در هر ظرفی که طرفین تحقق داشته باشند وجود رابط نیز در همان ظرف، تحقق خواهد داشت.

تبدیل موضوع و یا محمول هر قضیه به دیگر موضوعات و محمولات، تفاوتی در صدق قضیه ایجاد نخواهد کرد، در حالی که در هر قضیه علاوه بر آنکه موضوع و محمول آن قضیه از مصداق خود حکایت میکنند، بین آن دو نیز پیوند و ربط خاصی است که ضامن صدق قضیه میباشد. البته این ربط بدلیل آنکه در نهایت ضعف است، فاقد ماهیت مستقلی است که بتواند در عرض موضوع و محمول قرار داشته باشد؛ بلکه واقعیت و ثبوت آن بتبع واقعیت و ثبوت موضوع و محمول بوده و در پرتو آن دو نیز ادراک میشود.^۷

مطابق نظر علامه طباطبایی، وجود رابط بدلیل تحقق یافتن آن در ضمن طرفین، در هر موطنی که موضوع و محمول تحقق یابند رابط میان آنها نیز در

میشود که محصور بین دو حاصر و باطل خواهد بود. در نتیجه وجود رابط، نه بطور مجزا بلکه در ضمن طرفین خود موجود است. این وجود بنحوی است که عین یا جزء آنها نیست و در همین حال منفصل از آنها نیز نیست.

وقتی که وجود رابط در ضمن موضوع و محمول وجود داشته باشد، در هر ظرفی که طرفین تحقق داشته باشند وجود رابط نیز در همان ظرف، تحقق خواهد داشت. بنابراین اگر قضیه خارجی باشد که موضوع و محمول آن در خارج تحقق داشته باشند، وجود رابط نیز در خارج متحقق خواهد بود؛ همانطور که اگر در ظرف ذهن وجود داشته باشند، رابط میان آنها نیز یک امر ذهنی و در ذهن متحقق خواهد بود.^۸ برخی دیگر از معاصرین نیز بر همین طریق مشی کرده‌اند.^۹

علامه طباطبایی بر همین اساس بر وجود خارجی اضافه نیز برهان اقامه میکند؛ زیرا ایشان نسبت‌ها را وجود رابط میدانند که موجود در غیر هستند:

«الاضافة موجودة في الخارج والحس يؤيد ذلك لوقوعه على انواع من الاضافات الخارجية التي لها آثار عينية لا يرتاب فيها كاضافة الاب والابن، والعلو والسفل والقرب والبعد و غیر ذلك»^۹.

دلیل دوم

این دلیل نیز از طریق قضیه حملیه و تکیه بر صدق آن صورت گرفته است. بیان دلیل دوم در شکل قیاس استثنائی به این شکل است:

«اگر در هر قضیه علاوه بر نسبت حکمی، که امری ذهنی است، یک ربط و پیوند واقعی که مطابق آن نسبت است، وجود نداشته باشد،

۷. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۲۹.

۸. حسن زاده آملی، حسن، رساله عمل ضابط در وجود رابطی و رابط، ترجمه ابراهیم احمدیان، قم، انتشارات قیام، چ ۱، ۱۳۷۸، ص ۸۵.

۹. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ریح مختوم شرح حکمت متعالیه، بکوشش حمید پارسانیا، قم، مرکز نشر اسراء، چ ۱، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۳۹۰ - ۳۹۱.

همان موطن محقق خواهد بود؛ زیرا عین تعلق به آنهاست.

جایگاه طرفین بحسب فرض، چهار حالت می‌تواند داشته باشد:

(الف) هردو در خارجند، مانند: «انسان عالم است».

(ب) هردو در ذهن تحقق دارند، مانند: «انسان نوع است».

(ج) موضوع در خارج و محمول در ذهن باشد، مانند: «زید ممکن است».

(د) فرض چهارم عکس فرض سوم است.

بطلان فرض چهارم روشن است؛ زیرا موضوع ذهنی متصف به امر خارجی نمی‌گردد. اشکال فرض سوم نیز این است که وجود رابط نمی‌تواند میان یک امر ذهنی و عینی ایجاد رابطه کند. به همین جهت علامه طباطبایی، محمولاتی مانند امکان را به تبع موضوعشان، محقق در خارج میدانند.^{۱۱}

در دو فرض نخست، وجود رابط می‌تواند تحقق یابد. اگر موطن طرفین، ذهن باشد، تحقق رابط نیز در ذهن است؛ و چنانچه جایگاه آنها خارج باشد، وجود رابط نیز در خارج محقق خواهد بود. بر همین مبنا، در استدلال علامه طباطبایی به قضایای خارجی تمسک شده است. به این ترتیب تحقق خارجی وجود رابط اثبات میشود.

از دیدگاه صدران نیز هرکجا که از طریق وجود رابط، میان دو شیء، اتصاف صورت گیرد؛ طرفین باید در ظرف اتصاف موجود باشند و حکم به اینکه یکی از طرفین در ظرف اتصاف موجود باشد و دیگری غیرموجود، یک تحکم است.^{۱۲}

مطابق دیدگاه دیگری، هوویت، نسبت حکمی و حکم، امور ذهنی، و وجود رابط، حقیقت خارجی

تلقی شده است و بر این اساس کیفیات ثلاث را از خصوصیات رابط که شدت و ضعف دارند، دانسته‌اند^{۱۳}؛ یعنی «ضرورت»، شدت ربط و «امکان»، ضعف آن است. «امتناع» هم فقدان ربط است.

حکیم سبزواری نیز از طریق ملاک قرار دادن وجود رابط در صدق و کذب قضایای حملیه، به اثبات آن می‌پردازد. به اعتقاد وی «اگر وجود رابط موجود نباشد (هرچند بنحوظرفیت و نفسیت و استقلالیت نباشد)، در آنصورت میان قضایای صادق و کاذب تفاوتی وجود نخواهد داشت.^{۱۴}

بر این بیان یک اشکال نقضی وارد است، زیرا در قضایای هلیه بسیطه - مطابق اعتقاد ایشان - رابط وجود ندارد و در عین حال صدق و کذب هست؛ یعنی قضایای بسیطه ملاک صدق و کذب نخواهند داشت.

دلیل سوم

ملاک اتحاد در قضایای «حملیه ایجابیه مرکبه» چیزی جز وجود نیست؛ زیرا ماهیت عامل کثرت است. بهمین جهت وجود رابط را دلیلی بر اصالت وجود دانسته‌اند.^{۱۵}

وجودی که عامل وحدت در اینگونه قضایاست، وجود محمولی نمیتواند باشد؛ زیرا وجود محمولی خودش طرف قضیه قرار می‌گیرد. پس باید عامل

۱۱. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۴۵.

۱۲. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۳۳۶.

۱۳. جوادی آملی، رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه، ج ۱، ص ۵۲۲.

۱۴. ملاصدرا، الاسفار الاربعة (التعلیقات)، ج ۱، ص ۵۴۹.

۱۵. سبزواری، شرح المنظومة (قسم الحکمة)، ج ۲، ص ۶۳.

وحدت، وجود رابط باشد. حال اگر وجود رابط به تبع طرفین قضیه تحقق خارجی نداشته باشد، وحدتی در قضیه بوقوع نمی‌پیوندد. حال آنکه اینگونه قضایا بدون وحدت و اتحاد فاقد معنا هستند. فارابی ملاک وحدت و اتحاد در وجود را هو هویت می‌داند. بدین معنا که صحت حمل به هو هویت وابسته است. در قضایایی همچون «زید هو کاتب»، «هو» رابطه است که وی معنای حقیقی آن را وجود می‌داند. این امر وجودی بدلیل اینکه میان موضوع و محمول ایجاد رابطه میکند، رابطه خوانده می‌شود.^{۱۶} هو هو مشتق از دو ضمیر هو است که فارابی آن را بمعنای وجود می‌گیرد و مناط صحت حمل بشمار می‌آورد و از این طریق وجود رابط را اثبات می‌کند.

البته وجود رابط به دو شکل زمانی و غیر زمانی در قضایا بکار می‌رود. برای افادهٔ رابط زمانی در زبان عربی از افعال ناقصه کمک گرفته می‌شود، مانند: کان زید^{۱۷} عالماً. اما برای رابط غیر زمانی که یک معنای حرفی است، ضمیر «هو» که یک معنای اسمی است بعاریت گرفته می‌شود.^{۱۸} در واقع جایگزینی یک معنای اسمی به جای معنای حرفی، یک اضطراب و ناشی از استخدام واژه‌ها در ترجمهٔ متون میباشد.

فارابی در جای دیگر، کلمه را به وجودی و غیر وجودی تقسیم می‌کند. منظور از کلمه وجودی، رابط زمانی است که همان افعال ناقصه است، و برای ارتباط محمول با موضوع همراه با زمان آن بکار می‌رود. بنابر عقیدهٔ فارابی کلمات وجودی تا زمانی که روابط هستند و محمول را به موضوع ربط می‌دهند، نمی‌تواند به عنوان محمول بکار روند. گرچه گاهی محمول نیز واقع می‌شوند، و آن زمانی است که نقش رابط نداشته باشند، مانند: «زید وجد»، یا «زید کان» که بمعنای وجود یافتن زید است. در واقع معنای

نخست همان کان ناقصه است، اما معنای دوم کان تامه است. در مورد کان تامه، وجود شکل محمولی دارد که در زبان فارسی از آن به «هست» تعبیر می‌شود. ایشان از این افعال ناقصه که نقش روابط را عهده‌دار هستند، به افعال یا کلمات وجودیه تعبیر می‌کند؛ زیرا وی رابط را امر وجودی تلقی می‌کند. او تصریح کرده ضمیر «هو» در حقیقت همان وجود است؛ آن هم زمانی که نقش رابط را داشته باشد. در اینجا نیز افعال ناقصه که محمول واقعی نیستند، و تنها میان موضوع و محمول ربط ایجاد می‌کنند، امر وجودی هستند. این عبارات نشان می‌دهد که فارابی در مقام اثبات وجود رابط بر آمده است.^{۱۹}

حکیم زنوزی در شرح کلام صدرالمتألهین^{۲۰} در خصوص یکی از اطلاقات وجود رابطی مینویسد: «خلاصهٔ کلام اینکه وجود رابط در قضیه، آنستکه محمول را با موضوع متحد می‌سازد. اگر چنین نباشد پس چگونه آن دو با یکدیگر اتحاد پیدا میکنند؟ این رابط با نسبت حکیمهٔ اتحادیه متفاوت است چرا که نسبت حکیمه، اتحادی است که میان محمول و موضوع لحاظ

۱۶. فارابی، ابونصر، التعلیقات (کتاب التنبیه علی سبیل السعادة، التعلیقات، رسالتان فلسفیتان)، بکوشش جعفر آل یاسین، تهران، انتشارات حکمت، ج ۱، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۵۱.

۱۷. رفیق العجم، المنطق عند الفارابی، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۵ م، ص ۱۳۸.

۱۸. تفتازانی، سعدالدین، تهذیب المنطق، حاشیه ملا عبدالله یزدی، قم، مکتبه العلامه، ج ۲، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۳.

۱۹. فارابی، التعلیقات، ص ۵۲۲ و ۵۲۳.

۲۰. کلام صدرالمتألهین چنین است: الوجود الرابطة یكون علی معنیین: احدهما ما یقابل الوجود المحمولی و هو ما یقع رابطة فی الحملیات الايجابية و راء النسبة الحکمیه الاتحادیه التي هی تكون فی جملة العقود (ملاصدرا، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۱، ص ۷۸-۷۹).

■ دلایل

سه‌گانه‌یی که

وجود رابط را از طریق تحلیل

قضیه حملیه اثبات میکنند، بر ثبوت
رابط بعنوان یک امر عینی کافی نیست.

زیرا ثبوت موضوعات و محمولات در

خارج، حاکی از وجود خارجی

رابطه میان آنها نیست.

و چنانکه در اشکال فوق به آن اشاره شده است، تحقق آن در قضیه، دال بر تحقق عینی آن در خارج نخواهد بود. ذهن با تجزیه اتحاد مصداقی طرفین قضیه بدو مفهوم، و قرار دادن یکی از آنها در مقام موضوع و دیگری در جایگاه محمول، حکم به اتحاد آنها میکند. این حکم همانطور که علامه طباطبایی نیز اشاره کرده‌اند مربوط به فعل نفس بوده و حکایت از چیزی است که در خارج مشاهده نموده است.^{۲۵}

آنچه در خارج مورد مشاهده نفس قرار گرفته است امری واحد است که در مقام تحلیل ذهنی، به چند مفهوم همچون: موضوع، محمول و رابط تجزیه شده است و البته همه این مفاهیم ساخته شده در ذهن، نمی‌تواند ما بازای خارجی داشته باشد؛ زیرا مستلزم فروپاشی وحدت خارجی آن خواهد بود.

۲۱. مدرس زنوزی، آف‌اعلی، مجموعه مصنفات آف‌اعلی مدرس طهرانی، به اهتمام محسن کدیور، تهران، انتشارات اطلاعات، ج ۱، ۱۳۷۸ ش، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، تعلیقه بر نه‌ایة الحکمة، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۷۲.

۲۳. همو، دروس فلسفه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲، ۱۳۷۵ ش، ص ۷۱.

۲۴. همو، تعلیقه بر نه‌ایة الحکمة، ج ۱، ص ۷۵.

۲۵. طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، ص ۲۵۱.

می‌گردد که قابلیت تعلق سلب و ایجاب را دارد. اگر این نسبت حکمیه متعلق ایجاب واقع شد و به تحقق آن، خارج از ظرف عقد اذعان شد و حمل نیز شایع صناعی باشد، در اینصورت به یک وجودی احتیاج دارد که توسط آن، اتحاد صورت گیرد؛ زیرا مفاد حمل، همان اتحاد در وجود است و این وجود بعینه همان وجود رابط است که در عقد قضیه وجود دارد. مقصود صدر اعظم حکما همین است.^{۲۱}

نقد و بررسی

دلایل سه‌گانه‌یی که وجود رابط را از طریق تحلیل قضیه حملیه اثبات میکنند، بر ثبوت رابط بعنوان یک امر عینی کافی نیست. زیرا ثبوت موضوعات و محمولات در خارج حاکی از وجود خارجی رابطه میان آنها نیست. رابطه در قضایا اگر دلالت بر شیء خارجی کند، حاکی از اتحاد مصداق موضوع و محمول است که اعم از ثبوت رابط میان آنهاست. برای مثال اتحاد جوهر و عرض یا ماده و صورت در خارج مستلزم وجود رابط بین آنها نیست. پس نمیتوان با این بیان وجود رابط را در خارج اثبات کرد، بلکه اثبات آن مرهون کیفیت ارتباط معلول به علت است.^{۲۲} در اینجا خلطی میان مباحث فلسفی و منطقی روی داده است. اینکه گفته میشود بین موضوع و محمول رابطه است مختص قضیه است و در خارج چنین چیزی نیست.^{۲۳} بحث از قضایا و اجزای آن مربوط به منطق است و بجهت ارتباط آن با برخی از مباحث فلسفی، در فلسفه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۲۴}

حقیقت آنستکه وجود رابط در قضیه، از معقولات ثانیه منطقی بشمار میرود و جایگاه آن در ذهن است،

■ وجود رابط در قضیه، از معقولات ثانیة منطقی بشمار می‌رود و جایگاه آن در ذهن است، ذهن با تجزیة اتحاد مصداقی طرفین قضیه بدو مفهوم، و قرار دادن یکی از آنها در مقام موضوع و دیگری در جایگاه محمول، حکم به اتحاد آنها می‌کند. این حکم همانطور که علامه طباطبایی نیز اشاره کرده‌اند مربوط به فعل نفس بوده و حکایت از چیزی است که در خارج مشاهده نموده است.

حکیم نوری در تعلیقه بر اسفار، وجود محمولی را خارج از مقولات دانسته و مقابل آن یعنی وجود رابط را در زمره مقولات دهگانه (مقوله اضافه) که از معقولات ثانیة است، قرار داده است.^{۲۶} یعنی در حقیقت وجود رابطی که در مقابل وجود محمولی قرار دارد، عینیت ندارد و جایگاه حقیقی آن در ذهن است. گرچه ایشان برای معقولات ثانیة، تحقق ضعیفی قائل است و به این اعتبار همانند وجود محمولی، آن را در صف موجودات خارجی قرار می‌دهد؛ اما سوی اعتبار و بحسب واقع، آن را ذهنی میدانند.^{۲۷}

برخی بار د کلام ایشان و با عنایت بمصالحه‌یی که ملاصدرا میان اختلاف حکمای مشایی و رواقی در خارجیت معانی عامه نظیر امکان، ایجاد می‌کند و معتقد است وجود این معانی در خارج بمعنای اتصاف موجودات عینی به آنها در ظرف خارج است،^{۲۸} به خارجی بودن وجود رابط حکم کرده‌اند.^{۲۹} اما کلام صدر المتألهین مؤید گفتار ایشان نیست؛ زیرا بیان صاحب حکمت متعالیه، تصریح به وجود رابط بمعنایی که در مقابل وجود محمولی باشد، ندارد. همچنین بنابر عقیده ایشان معنای خارجی بودن این معانی چیزی جز اتصاف امر عینی به آنها نیست و

این نکته غیر از آن است که خود این معانی در خارج موجود باشند.

نکته دیگر اینکه اگر کیفیات ثلاث نیز از خصوصیات وجود رابط بر شمرده شوند، آنگاه قضایای هلیه بسیط که به اعتقاد این گروه، فاقد وجود رابط هستند، باید فاقد کیفیت نیز باشند، در صورتی که این دسته از قضایا دارای ماده ضرورت هستند.

بحث از اصالت وجود نیز مربوط به حقیقت خارجی وجود بوده که فلسفه عهده‌دار بحث از آنست. ایجاد وحدت میان طرفین قضایا در ذهن صورت می‌گیرد؛ زیرا چنان که گذشت در خارج دو امر جداگانه تحت عنوان موضوع و محمول تحقق ندارد تا وحدت یا اتحاد میان آنها در موطن خارج صورت یابد.

ممکن است گفته شود که بحث از وجود ذهنی نیز جزء مباحث فلسفی است. پاسخ آن است که اختصاص بحث وجود ذهنی به فلسفه بجهت اینکه در آنجا نیز سخن از وجود خاصی است، بمعنای تحقق وجود رابط - که مربوط به قضایا و یک امر ذهنی است - در خارج از ذهن نخواهد بود.

بنابراین «وجود رابط» که از طریق تحلیل قضایای حملیه به اثبات می‌رسد مربوط به عالم ذهن بوده و چیزی را در این خصوص به لحاظ خارج ثابت نمی‌کند. این نکته‌یی است که اگر مورد غفلت قرار گیرد میتواند موجب اختلاف و بروز مغالطات عدیده‌یی شود. همانگونه که میان علمای منطق در

۲۶. نوری، تعلیقه بر الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ۱۹۸۱ م، ج ۱، ص ۷۹.

۲۷. همان

۲۸. ملاصدرا، الاسفار الاربعة، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲۹. حسن زاده آملی، حسن، رساله عمل ضابط در وجود رابطی و رابط، ص ۱۱۵.

■ معلول، هویتی جدای از حقیقت علت مفیضه خویش ندارد تا سوای از آن مورد توجه عقل گیرد بگونه‌ای که عقل دو هویت مستقل را مورد اشاره قرار دهد. معلول عین حاجت و نیاز است و در مقایسه با علت خود، رابط و بلکه عین ربط است. بنابراین وجود ممکنات بمعنای مصادیق وجود رابط تلقی میشوند.

اما اثبات وجود رابط از طریق تحلیل اصل علیت بگونه‌یی که در دلیل چهارم خواهد آمد، بر مبنای اصالت وجود صورت گرفته و یک بحث فلسفی قلمداد میشود. آنچه از این طریق به اثبات میرسد مربوط به عالم خارج است.

دلیل چهارم

با پذیرش اصل علیت و تحلیل آن براساس اصالت وجود و امکان فقری چنین گفته میشود که علیت و معلولیت یک رابطه وجودی است. به همین جهت علیت علت و معلولیت معلول در حاق ذات آنها قرار دارد. یعنی علیت و معلولیت از اوصاف خارج از ذات آنها نیست؛ زیرا در غیر اینصورت لازم می‌آید که در مقام ذات، علت و معلول نباشند و این لازمه، به انکار اصل علیت می‌انجامد. پس معلول، هویتی جدای از حقیقت علت مفیضه خویش ندارد تا سوای از آن مورد توجه عقل گیرد به گونه‌ای که عقل دو هویت مستقل را مورد اشاره قرار دهد.

۳۰. نک: شکر، عبدالعلی، «بررسی آراء در تعیین جایگاه وجود رابط و محمولی در منطق و فلسفه»، خردنامه صدرا، پاییز ۱۳۸۴ ش، ۴۱، ص ۶۱.

۳۱. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۹۰.

۳۲. طباطبایی، نهاية الحکمة، ص ۳۰.

۳۳. جوادی آملی، ریح مختوم شرح حکمت متعالیه، ج ۱، ص ۵۲۳؛ ملاصدرا، الاسفار الاربعه (التعلیقات)، ج ۱، ص ۵۴۹.

۳۴. حسن‌زاده آملی، رساله عمل ضابط در وجود رابطی و رابط، ص ۹۴.

خصوص قضایایی که فاقد ربط هستند اختلاف فراوانی دیده میشود.^{۳۰}

این که صدرا اختلاف میان دو وجود رابطی و وجود محمولی را نوعی، و اشتراک آنها را لفظی میداند بجهت تمایز نهادن میان دو مقام مفاهیم انتزاعی و حقایق خارجی است، وگرنه با بحث اشتراک معنوی وجود تعارض پیدا میکند؛ به همین جهت می‌فرماید:

«والاتفاق النوعی فی طبیعة الوجود مطلقاً

عدننا لا ینافی التخالف النوعی فی معانیها

الذاتیة و مفهوماتها الانتزاعیة».^{۳۱}

کسانی که رابط در قضایا را امری خارجی دانسته‌اند در تفسیر کلام صدرالمتألهین دچار مشکل شده‌اند. بهمین جهت علامه طباطبایی، برخلاف ملاصدرا اختلاف میان وجود رابط و محمولی را نوعی نمیداند و در تبیین ادعای خود به مبحث علیت متوسل میشود.^{۳۲}

گروهی دیگر نیز اختلاف نوعی را بدلیل ناسازگاری با اشتراک معنوی مفهوم وجود، به نهایت و شدت بُعد توجیه کرده‌اند.^{۳۳} و برخی این بیان را از صاحب حکمت متعالیه عجیب دانسته‌اند.^{۳۴}

شاهد دیگر اینکه در منطق عامل اتحاد در قضیه را «رابط» یا «رابطه» نامیده‌اند و سخنی از وجود (وجود رابط) در این خصوص به میان نمی‌آید. بنابراین از طریق رابط در قضایا نمیتوان وجود رابط را در خارج اثبات کرد.

■ ماسوی الله

در قیاس با علت حقیقی

خودشان که ذات واجب الوجود و

مستقل مطلق است، عین ربط و تعلق

هستند بگونه‌یی که هویتی جز همین

حیثیت تعلقی صرف برای

آنها متصور نیست.

از طرف دیگر تمام ذات علت و معلول را وجود تشکیل میدهد؛ چون غیر از وجود چیز دیگری اصالت ندارد. پس حاجت و نیازمندی مربوط به وجود معلول است. در نتیجه معلول عین حاجت و نیاز است و در مقایسه با علت خود، ربط و بلکه عین ربط است. بنابراین وجود ممکنات بمعنای مصادیق وجود ربط تلقی میشوند. همچنین بدلیل اینکه سلسله علل و معالیل نامتناهی نیست، وجود مستقل مطلق نیز اثبات میشود.

طرح یک اشکال

اشکالی بر تحقق وجود ربط وارد شده است که ثبوت هر شیء برای غیر خود فرع بر ثبوت ثابت است. در قضیه «الف ب است»، ثبوت ب برای الف فرع بر اینست که ب برای خود ثبوت داشته باشد.

حال اگر وجود ربط در هلیات مرکبه ثابت باشد، در این صورت ثبوت محمول یعنی ثبوت ب نیز برای موضوع که الف است، ثابت خواهد بود. اگر نقل کلام در محمول اخیر یعنی ثبوت ب و ثبوت ثبوت آن برای موضوع شود، سلسله‌ای نامحدود از ثبوتها که همان وجود ربط هستند پدید می‌آید.

در این حالت مطابق قاعده اشراق که: «هر

چیزی که از فرض ثبوتش تکررش لازم آید اعتباری است»^{۳۵}، لازم می‌آید وجود ربط، اعتباری باشد و تحقق خارجی نداشته باشد.

صدرالمآلهین بروز این اشکال را ناشی از خلط دو وجود ربط و رابطی میدانند و معتقد است که وجود ربط از مصادیق این قاعده نیست؛^{۳۶} زیرا از تحقق وجود ربط تکررش لازم نمی‌آید. وقتی مفهوم وجود ربط اطلاق می‌شود با زمانی که در معنای مطلق آن - اعم از نفسی و رابطی - میباشد، تفاوت دارد. مصادیق این دو دارای اختلاف تشکیکی است و بهمین دلیل حکم آنها نیز متفاوت خواهد بود.

ثبوت ب که وجود ربط است غیر از ب است؛ زیرا ب یک وجود فی نفسه است. وجود ربط، حقیقتی مستقل از غیر ندارد تا همانند وجود رابطی مستقل فرض شود. بهمین دلیل نمیتوان از ثبوت یا عدم ثبوت آن برای الف خبر داد و در نتیجه متصف به ثبوت و عدم ثبوت نمی‌شود. بدین ترتیب اصل اشکال مرتفع می‌شود.^{۳۷} بنابراین آنچه در اشکال فوق مورد نظر است، یعنی ب، وجود رابطی است که وجود فی نفسه لغیره است، در حالیکه «ثبوت ب»، وجود رابط است و از هیچ نفسیتی برخوردار نیست. یعنی ثبوت ب تنها در غیر، محقق می‌شود و در اینصورت استقلالی ندارد تا همانند وجود محمولی قابل حمل بر موضوع باشد.

صدرا در بیان این مطلب ارزنده که مفاد آن تعلقی محض بودن ماسوی الله است، متأثر از بزرگانی از

۳۵. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، بکوشش هانری کرین، سید حسین نصر، نجفقلی حبیبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۳، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۲۶.

۳۶. ملاصدرا، الاسفار الاربعه، ج ۱، ص ۳۸۲.

۳۷. جوادی آملی، ریحق مختوم شرح حکمت متعالیه، ج ۴، ص ۳۸۸ - ۳۹۳.

■ تحلیل فلسفی

بحث علیت در اثبات وجود رابط،
به طریق اولی وجود مستقل مطلق را
نیز به اثبات می‌رساند؛ زیرا وجود
رابط و تعلق محض، بدون وجود
مستقل و غیرتعلق،
امکان عقلی ندارد.

اثبات می‌رساند؛ زیرا وجود رابط و تعلق محض، بدون
وجود مستقل و غیرتعلق، امکان عقلی ندارد.

نتیجه

تلاش در جهت اثبات وجود رابط از طریق تحلیل
قضایای حملی ناشی از عدم توجه به تفاوت احکام
منطقی با فلسفی است. بهمین جهت دلایلی که بر
این مبنا شکل گرفته، وجود رابط را در خارج اثبات
نمیکنند؛ زیرا تحقق عینی موضوع و محمول، مستلزم
تحقق خارجی رابط میان آنها نیست. با تحلیل در
قضیه حملی، غیر از موضوع و محمول، مفهوم سوم
بدست می‌آید که در منطق «رابط» یا «رابطه»
نامیده‌اند؛ حال آن‌که در فلسفه از «وجود رابط» سخن
گفته میشود.

وجود رابط بمعنای تعلق بودن ممکنات نسبت
به ذات حق، بواسطه غور در نحوه ارتباط معلول با
علت قابل اثبات خواهد بود. بدین ترتیب تمام
موجودات ممکن از مصادیق این وجود فقری هستند.

۳۸. ابن عربی، محی‌الدین، فصوص الحکم با شرح خوارزمی،
به کوشش حسن‌زاده آملی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
علمیه قم، ج ۱، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۵.
۳۹. طباطبایی، نه‌ایة الحکمة، ص ۳-۳۱.

عرفان همچون محی‌الدین ابن عربی نیز بوده است.^{۳۸}
ماسوی الله در قیاس با علت حقیقی خودشان که
ذات واجب الوجود و مستقل مطلق است، عین ربط و
تعلق هستند بگونه‌یی که هویتی جز همین حیثیت تعلق
صرف برای آنها متصور نیست. اما همین موجودات
هنگامی که با یکدیگر مقایسه میشوند، به جواهر و
اعراض که دارای وجود نفسی نیز هستند تقسیم
میشوند.^{۳۹} بر همین اساس وجود فی نفسه به لئفسه و
لغیره، و وجود لئفسه به بنفسه و بغیره تقسیم شده‌اند.
در نتیجه باید گفت وجود رابط به یک معنا، بحث
عمیق فلسفی و مبرهن در حکمت متعالیه است.
این معنا تمام وجودات معلول (ماسوی‌الله) را روابط
محض نسبت به ذات قیوم حق قرار میدهد.

تفاوت وجود رابط به معنای اخیر با رابط در قضایا

وجود رابط به این معنا که تحقق عینی آن به اثبات
رسیده است، تفاوت زیادی با رابط متحقق در
قضایای حملیه دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
الف) رابط در قضیه یک امر مفهومی است، اما
دیگری وجود متحقق در خارج بوده و مفهومی
نیست.

ب) رابط بمعنای منطقی قایم به دو طرف یعنی
موضوع و محمول است؛ اما وجود رابط خارجی، قیام
به وجود واحد دارد که همان علت حقیقی و ذات
واجب الوجود است.

ج) رابط بمعنای نخست از نوع اضافه مقولی است؛
اما دیگری حاصل اضافه اشراقی است.

د) محل بحث رابط در قضایا، منطق است، اما
جایگاه بحث از وجود رابط بمعنای دوم، فلسفه است.
آنچه از تحلیل فلسفی بحث علیت در اثبات وجود
رابط گذشت، به طریق اولی وجود مستقل مطلق را نیز به